



خط محوّل



چهارمین شماره ماهانه دانشجویی علمی - فرهنگی پردیس شهید رجایی ارومیه





پیامبر صلی الله علیه و آله :
أَنَّهُ إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ فَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَبَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ وَ
بَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ؛

وقتی معلم به کودک بگوید: بگو بسم الله الرحمن الرحيم
و کودک آن را تکرار کند خداوند برای کودک و پدر و
مادرش و معلم، براءت از آتش در نظر خواهد گرفت



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

مدیر مسئول: کامیل واحدیان

سر دبیر: مهدی محمدیان

هیئت تحریریه: فاطمه سلطانی، مهدی محمدیان، محمد باقر نصیری، فاطمه خلیلی، فاطمه نوروزی

ویراستار: مهدی احمدی

صفحه آرا: ابوالفضل غفوری

زمینه انتشار ماهانه: علمی فرهنگی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۱

شماره چهارم

راه ارتباط: ایتا mehdi_mohammadian



فهرست مطالب:

صفحه

۱. تقلید در آموزش و پرورش، خوب یا بد؟ ۱

۲. آموزش و پرورش فرسوده ۳

۳. اجرایی سازی سند تحول ۴

۴. سند ۲۰۳۰ و آموزش و پرورش ایران ۵

۵. اقتصاد و آموزش پرورش ۷



سخن سردبیر:



باسمه تعالی

سلام و درود خدمت همراهان عزیز

« وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا »

و بگو: پروردگارا! علم مرا زیاد کن.

خداوند متعال را بسیار شاکریم که بار دیگر توانستیم همراه شما عزیزان باشیم امیدواریم کلمه به کلمه این نشریه برای شما مفید واقع شود. و همچنین با همکاری شما عزیزان و اتخاذ تصمیمات سنجیده شده از سوی مسئولان مربوطه شاهد پیشرفت هر چه بیشتر آموزش و پرورش باشیم زیرا آینده یک کشور از طریق رقم می خورد. و در نهایت منتظر بازخوردها و پیشنهادات شما هستیم.





از همان یک جمله معروف امام (ره) که فرموده‌اند:

(امید من به دبستانی‌هاست)، به راحتی می‌توان فهمید که این دوره تا چه اندازه حیاتی و سرنوشت ساز است، به همین دلیل باید که چاره‌ای برای تربیت هر چه بهتر این نسل اندیشید. نه تنها دبستانی‌ها بلکه مقاطع متوسطه اول و دوم نیز حائز اهمیت می‌باشند و باید دست‌هایشان را گرفته و در مسیری درست و مستقیم قرارشان داد.

همانطور که مقام معظم رهبری هم به ضرورت ایجاد تحولات در آموزش و پرورش اشاره کرده‌اند؛ باید دانست که نظام آموزشی ما، به تحولاتی بس عظیم نیاز دارد. بایک روش تدریس جالب و چند طرح درس متفاوت و خلاقانه نمی‌شود راهی از پیش برد، هر چند این‌ها هم در نوبت خود ارزشمند بوده و نشان از از دغدغه‌مند بودن معلمان این مملکت دارند.

تحول چیست؟

تحول یعنی فرایند ذوب شدن اندیشه‌ها و باورها و استقرار یافتن نظام‌ها و ارزش‌هایی جدید. با توجه به اهمیت شکل‌گیری زیرساخت‌هایی اصلی در عصر کنونی، یکی از عوامل توسعه و پیشرفت هر کشوری، توسعه نظام آموزش و پرورش آن است. ضرورت ایجاد تحول را در بهبود کیفیت زندگی، بهبود عملکرد سازمان‌ها و بالندگی آن‌ها می‌توان یافت؛ سازمان‌های مربوطه تحت فشار عواملی مثل افزایش رقابت در ارائه خدمات بهتر و بیشتر، سرعت پیشرفت، برآورده کردن نیازها و... هستند، که این موارد باعث می‌شود سازمان‌ها در برابر ایجاد تغییر و تحول، بدون چاره بمانند و وادار شوند که برای آن برنامه ریزی جدی داشته باشند.

برای داشتن تحولاتی مفید، باید دانست که چگونه آن را ایجاد کرد؛ تعیین کردن اهداف تحول، اولین قدم برای این کار است، زیرا هیچ قدمی بدون هدف درست برداشته نمی‌شود، توجه به نیازهای درونی سازمان‌ها، نترسیدن از مشکلات و تبدیل آن‌ها به فرصت، همدلی و همفکری، استفاده از افراد متخصص مراحمی هستند که برای رسیدن به تغییرات مد نظر باید طی شوند.

تحولات در هر حوزه‌ای یا به صورت خودجوش بوده و ناشی از خلاقیت‌های مسئولین این حوزه می‌باشد و یا به صورت تقلیدی هنرمندانه از سایرین نیز می‌تواند ایجاد شود؛ فرقی ندارد، مهم این است که این تحول صورت بگیرد و کویر آموزش و پرورش شخمی اساسی خورده و با بذرهایی تازه و باران‌هایی به موقع، جانی دوباره بگیرد و در نهایت به گلستانی پر بار جهت شکوفا شدن غنچه‌های آینده‌مان تبدیل شود.

در باب تقلید از سیستم آموزشی دیگر کشورها و اینکه آیا این کار مفید است یا نه، بحث‌هایی وجود دارد؛ از آنجایی که کشورهای مختلف از نظر سیاست، دین، مذهب، فرهنگ، اجتماع و خیلی چیزهای دیگر تفاوت‌هایی با هم دارند دلیل نمی‌شود سیستم آموزشی فلان کشور، در کشور ما هم عیناً همان نتیجه مطلوب را داشته‌باشد، پس بحث تقلید از نظام آموزش و پرورش یک کشور بحثی بسیار پیچیده و کارشناسانه می‌باشد.

مبانی تعلیم و تربیت اسلامی از نظر انسان شناسی، روانشناسی، فلسفه حیات و تربیت و در کل از تمام جهات با تعلیم و تربیت غربی تفاوت‌های اساسی دارد و همین تفاوت‌ها باعث می‌شود که هر گونه ساده‌اندیشی در استفاده از تعلیم غربی و مبانی آنها در نظام تربیتی اسلامی غیرمجاز گردد.

مبانی غربی در رابطه با انسان‌شناسی بر انسان‌سالاری و برتر بودنش تحت هر شرایطی اشاره دارد، در حالی که نظام تربیتی اسلام، بر این باور است که انسان تنها در صورتی که با تعلیم و تربیت خود را به خدا نزدیک کند والا خواهد بود و در غیر این صورت خیر. مبانی تعلیم غربی، هستی را ماشینی

می بیند که می توان با قوانینی آن را در دست گرفت؛ در حالی که که مبانی تعلیم اسلامی برای شناخت جهان بر روش شناختی تجربی تکیه دارد. مبانی های زیادی در رابطه با تعلیم و تربیت بین اسلام و غرب وجود دارد، غربیان به فراخور جامعه ای که در آن زندگی می کنند، با مسائل و مشکلات فرهنگی و آموزشی و تربیتی خاص خود مواجه اند، به همین دلیل دیدگاه هایی که برای تربیت دارند از نظر خودشان منطقی و صحیح است، همانند نظام تعلیم و تربیت اسلامی. جهان بینی غربی بر پایه سکولار بوده و نظریه های خاص خود را دارد و جهان بینی اسلامی نیز بر پایه مبانی اسلام می باشد.

آموزش و پرورش تطبیقی باید باعث کشف حقایق و مسائل تربیتی کشورها و مقایسه آن ها با یکدیگر شود، برنامه ریزی جامعی که به ما ارائه می دهد، باعث آگاهی کامل ما از مسائل آموزشی حاضر در دنیا شود، پیشرفت های مفید دیگر کشورها را برای ما آشکار کرده و انگیزه ما را برای پیشرفت های بیشتر و بهتر تحریک کند.

البته در طول تاریخ بارها برای جلو زدن از دیگر کشورها اقداماتی انجام داده ایم، مثلاً برای نزدیک شدن به سبک آموزشی جوامع مدرن، راه آهن و دانشگاه ها را ساختیم که این قدمی مفید بود، ولی به عنوان مثال آن زمان که سعی کردیم خروجی های دانشگاه هایمان را از نظر علمی به دانشگاه های غرب نزدیک کنیم، موفق نشدیم؛ پس این نشان می دهد که تقلید تنها در صورتی که با فکر و بررسی انجام شود می تواند مفید باشد، زیرا بسیاری از تقلیدها، با فرهنگ و جغرافیای ما سازگاری ندارند.

حال شما بگویید که رسیدن به چنین تحولاتی با توجه به فرهنگ و مذهب و اجتماع ما، چگونه و با چه راهکارهایی امکان پذیر خواهد بود؟



آیا می‌تواند شور و نشاط کلاسی را که یک معلم ۲۳ یا ۲۴ ساله دارد و خودش هم نسل آنهاست اداره می‌کند را در کلاس خود ایجاد کند و با دانش آموزان ارتباط عمیق بگیرد و آنها را درک کند.

سوال دیگر این که ماهیت دانشگاه فرهنگیان چیست؟ دانشگاهی که قصد تربیت نیروی انسانی آموزش و پرورش را دارد و از اهداف عمده اش این است که افرادی را تربیت کند که شایسته معلمی باشند. برای معلم شدن باید اول خود فرد تربیت شود و شخصیت معلمی را دارا باشد تا بتواند دیگری را تربیت کند. حال شخصیت و نگرش افراد تا چه سالی زیاد تغییر نکرده و می‌تواند آن را تغییر داد؟ از سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی ماهیت شخصیتی، نگرشی و رفتاری افراد زیاد تغییر نکرده و تحت الشعاع مسائل دیگر قرار نگرفته است، اما وقتی این اختلاف سن‌ها به ۲۶ یا ۲۸ و ۴۰ سال می‌رسد، تضاد در شخصیت و نگرش دیدگاه و رفتار با اختلافات زیادی بروز پیدا می‌کند، در سنین بالا شاکله شخصیتی افراد شکل گرفته است، یعنی نمی‌تواند آن تغییراتی را که با آموزش می‌توان در یک دانشجوی ۲۲ ساله ایجاد کرد را در این فرد نیز ایجاد کرد و این تفاوت‌ها را کدام نظام‌های تربیتی و دانشگاهی می‌تواند جبران کند؟

در شرایط فعلی آموزش و پرورش افرادی که سن بالای ۵۰ سال دارند و در مدرسه مشغول هستند با مشکل ارتباط با نسل جدید دست و پنجه نرم می‌کنند.

این تصمیمات در آینده نه چندان دور، آموزش و پرورش را با ساختاری پوسیده مواجه خواهد کرد، آموزش و پرورشی که در آن خبری از نوآوری و شور و نشاط نیست. همیشه سازمانی موفق خواهد بود، که نیروی تازه نفس و خستگی ناپذیری داشته باشد. وقتی میانگین سنی افراد یک سازمانی بیشتر باشد؛ این سازمان با فکر قدیمی و سنتی اداره خواهد شد، ولی سازمانی مانند سازمان آموزش و پرورش که نهادی حیاتی برای کشور محسوب می‌شود؛ در صورتی که خواهان فکری جدید و خلاق در این سازمان باشد، باید نیروی جوان و مبتکر داشته باشد.

پس برای این سازمان کلیدی جامعه نباید سرسری تصمیم گرفت. باید تصمیمات بر اساس پژوهش و تحقیقات عمیق انجام گیرد. در تصمیم‌گیری فقط به الان نباید توجه شود، چون این سازمان اثرات خود را در دراز مدت آشکار می‌کند اساسا برای تصمیم‌گیری در آموزش و پرورش نباید نگاه مقطعی داشت. همه کشورهای پیشرفته جهان پیشرفت‌های الان خود را مدیون تصمیماتی هست که در گذشته، آگاهانه برای آموزش و پرورش خود اتخاذ کرده‌اند.

در کشور سازمان‌های مختلفی وجود دارد، قصد ما سخن از سازمانی هست که هر از چندگاهی با اتخاذ تصمیماتی بدون بررسی عمیق و تخصصی، اثرات منفی برای این سازمان و کشور به بار می‌آورد.

بله درست حدس زدین این سازمان، سازمان وزارت آموزش و پرورش هست که در کشور ما سالیان سال هست که در کم لطفی قرار گرفته، در حالی که آینده و ترقی هر کشوری به این سازمان حیاتی وابسته هست. همه سازمان‌ها یک سری شرایط برای جذب نیروی خود دارند؛ این سازمان هم برای جذب نیروی انسانی خود یک سری شرایط دارد و داوطلبانی که از این شرایط برخوردار باشند، می‌توانند در دانشگاه فرهنگیان که مسئول تربیت نیروی انسانی آموزش و پرورش هست، تحصیل کنند و تا سال ۱۴۰۲ یکی از این شروط که باید همه داوطلبان آن شرط را دارا بودند، شرط سنی ۲۴ سال تمام بود، ولی طی تصویب قانون جدید از طریق دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال شرط سنی تا ۲۴ سال، سن ورود به این دانشگاه را به ۴۰ سال افزایش داده‌اند.

حال سوال اینجاست که این تصمیم بر چه پایه تحقیقاتی و علمی اتخاذ شده است؟ برای تصمیم‌گیری درمورد این چنین سازمان مهمی، باید تحقیقات گسترده‌ای انجام شود، چون آینده کشور وابسته به این سازمان هست. همه موفقیت‌های کشور از مسیر این سازمان محقق می‌شود. اصلا به عواقب این تصمیم و قانون در دراز مدت توجه شده که چه زیان‌هایی را می‌تواند به بار بیاورد؟ ممکن است گفته شود به دلیل کمبود نیرو در این سازمان هست، ولی این تصمیم به مسکنی می‌ماند که دکتر به بیمار تجویز می‌کند، به جای درمان ریشه‌ای بیماری، درد را برای مدت کوتاهی پنهان می‌کند، حل نمی‌کند، برای آموزش و پرورش هم همان گونه هست، یعنی این تصمیم در ظاهر مشکل کمبود معلم را برای مدتی رفع می‌کند؛ ولی در باطن این قضیه اتفاق دیگری برای این سازمان می‌افتد، اتفاقی که بهای آن را نسل‌های آینده خواهند داد.

از دیوان عدالت اداری که این گونه تصمیمات را برای آموزش و پرورش اتخاذ می‌کند، سوالی داریم مبنی بر اینکه، آیا شخصی که ۴۰ سال سن دارد و وارد آموزش و پرورش می‌شود، مبنی بر قانون فعلی، باید ۳۰ سال خدمت کند؟ خب بعد سی سال این شخص ۷۰ سال سن دارد کسی که ۷۰ ساله هست توان جسمی اداره کلاس را دارد؟ توان پاسخ‌گویی به سوالات دانش آموزان را دارد؟ حوصله اداره کلاس را چطور؟

بررسی راهکار اجرایی برای سند تحول

خانم فاطمه خلیلی



های زندگی را در برمی گیرد، به خصوص رشد دانش آموزان که به مدت ۱۲ سال تحت تاثیر مستقیم این نهاد قرار دارند. البته ناگفته نماند که در سند تحول بنیادین، خانواده اولین و مهم ترین نقش را به عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش و پرورش، دارا است. براین اساس، مثلث خانواده، مدرسه و اجتماع باید در کنار یکدیگر مورد توجه و پیوند قرار بگیرند؛ زیرا دانش آموزان از نهاد خانواده برخاسته می شوند، در مدرسه تکمیل و در اجتماع به تحول می رسند، بنابراین اگر به دنبال تحول هستیم باید این مسیر سه گانه را هموار کنیم.

یکی از هدف های نظام تعلیم و تربیت، تبیین فضای آموزشی متناسب با توان کودک در همه ابعاد است. در این صورت مدرسه فضای شادابی برای دانش آموزان خواهد بود که از حضور در آن فضا لذت خواهند برد و می توان مطابق با اهداف سند، دانش آموزانی متفکر، پرسشگر و خلاق با روحیه اسلامی تربیت کنیم که برای تحقق این هدف، ساخت و بهره برداری از مجتمع آموزشی تحت عنوان (حیات طیبه) مطرح می شود.

مجتمع هایی که تفکرات اسلامی و معیارهای اسلام را حتی در معماری بنا و شکل طراحی حفظ کند و به فراگیران انتقال دهد، که از این امر به عنوان آرمان غایی آموزش و پرورش یاد می شود و در آن ساخت مدارس کوچک، به دلیل مقرون به صرفه نبودن، متوقف شده و درگام بعدی مدارس کوچک موجود با مجتمع های حیات طیبه ادغام می شود و از مقطع پیش دبستانی تا پایان متوسطه دوم را در ۶ سر فصل که به پایه تربیت اعتقادی و عبادی است تعلیم و آموزش می دهد. البته با تمام مزایایی که این طرح دارد، انتقادی که بر آن وارد است، این می باشد که آیا به نبود امکانات کافی و نیروی انسانی در مناطق محروم و یا حتی نبود مدارس کوچک در برخی نقاط برای احقاق این مجتمع ها توجه شده است یا نه؟

در سخن پایانی باید به این نکته اشاره کنم، همانطور که گفته شد اساس نظام آموزش و پرورش، تربیت انسان شایسته و کارآمد است. لذا برای رسیدن به چنین هدفی، امروزه بحث تحول در آموزش و پرورش و چگونگی روند انجام آن در دستور کار تمامی دست اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در این راستا شایسته است نیروهای فکری کارآمد و زنده، طبق سند تحول بنیادین، بر اساس هویت دینی و ملی کشور، تغییر و تحول در نظام آموزشی را در برنامه خود قرار دهند.

سند تحول بنیادین یکی از مهم ترین سند های تدوین شده در نظام تعلیم و تربیت کشور و از راهنما های مهم موجود برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت می باشد و سمت و سوی اقدامات سیاست گذاران و مجریان این امر را مشخص می کند.

امر تعلیم و تربیت دانش آموزان، امر حساس و خطیری می باشد که باید در هر جامعه ای این مسئولیت، به آگاه ترین افراد آن جامعه که دلسوز، مسئولیت پذیر و دغدغه مند هستند، سپرده شود.

معلم اثربخش، معلمی است که با داشتن مهارت ها و صلاحیت های حرفه ای و اخلاق معلمی، علاوه بر فراهم آوردن زمینه یادگیری همه جانبه دانش آموزان، هم چون چراغ راهی در راستای اتخاذ سیاست های درست و پیشبرد هرچه بیشتر مفاد و راهکار های سند تحول بنیادین عمل نماید.

ساحت های شش گانه سند تحول بنیادین، یک راهنما برای ارائه آموزش های همه جانبه و تعلیم دانش آموزان فرهیخته، متعهد و با هویت ایرانی اسلامی است.

این ساحت ها عبارتند از :

۱. ساحت تربیت دینی
۲. تربیت اقتصادی
۳. تربیت علمی
۴. تربیت اجتماعی
۵. تربیت هنری
۶. تربیت بدنی

حال سوال اینجاست؛ اکنون که بیش از ۱۰ سال از تصویب نهایی سند تحول می گذرد، چرا وضعیت اجرایی شدن آن رضایت بخش نمی باشد؟!

یکی از این دلایل، عدم باور دست-اندرکاران امور اجرایی سند تحول به خود سند تحول است.

برای عملیاتی کردن احکام این سند، لازم است در تدوین برنامه های میان مدت و کوتاه مدت، این پیوستگی ها مورد توجه قرار بگیرد. تربیت پرورش یافتگانی که دین اسلام را حق می دانند و از آن تبعیت می کنند و با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و احترام به قانون، اهداف انقلاب را سرلوحه قرار داده و در دفاع از اقتدار ملی تلاش می کنند و با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام اسلامی در فعالیت های اقتصادی و رشد آن مشارکت می نمایند.

نهاد تعلیم و تربیت، در هر جامعه ای می تواند محور توسعه و رشد آن جامعه باشد، چرا که گستره فعالیت این نهاد، تمام عرصه



دلیل اجرایی نشدن سند ۲۰۳۰ در آموزش و پرورش ایران

محمد باقر نصیری

توسعه ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و آژانس ملل متحد تنظیم شده است.

شعار اصلی برنامه توسعه پایدار «دگرگون ساختن جهان ما» است؛ ضمن اینکه دولت‌ها موظف هستند تا اهداف جهانی را در اهداف و سیاست‌های طرح‌ها و اقدامات ملی ادغام و در چرخه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی ساماندهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع ادغام کنند.

اهداف سند ۲۰۳۰ سازمان ملل

برخی اهداف سند ۲۰۳۰ شامل «آموزش ابتدایی»، «متوسطه»، «سنجش و ارزیابی کیفیت و یادگیری، مراقبت اوان کودکی»، «آموزش پیش دبستانی و ابتدایی»، «آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی رسمی»، «آموزش عالی مهارتی متوسطه»، «آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌های غیر رسمی»، «دسترس‌ی به آموزش عالی با کیفیت و برابر»، «کارآفرینی با تأکید بر کار شایسته»، «برابری فرصت‌های آموزشی و اجتماعی برای زنان و دختران»، «دسترس‌ی برابر اقشار آسیب‌پذیر به آموزش»، «آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه»، «توسعه سوادآموزی و مقابله با کم‌سوادی»، «آموزش توسعه پایدار در آموزش ابتدایی و متوسطه با تأکید بر ایجاد هماهنگی بین بخشی»، «آموزش توسعه پایدار در آموزش عالی»، «آموزش سلامت و شیوه‌های زندگی سالم و بهداشتی»، «مدارس و تجهیزات آموزشی در سطوح ابتدایی و متوسطه»، «دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی»، «فناوری و تجهیزات آموزش‌های غیررسمی مهارتی»، «توسعه همکاری‌های علمی و بین‌المللی در آموزش عالی»، «توسعه همکاری‌های بین‌المللی در آموزش مهندسی»، «توسعه همکاری‌های علمی و بین‌المللی در زمینه تربیت معلم و غیره است».

دلایل مخالفت با سند و برخی اهداف انحرافی سند ۲۰۳۰

۱. تخریب فرهنگ اسلامی در پرتو معیارهای بین‌المللی غربی
۲. تساوی جنسیتی و حذف موانع جنسیتی
۳. آموزش حقوق بشر غربی
۴. آموزش شهروندی جهانی، بر اساس هنجارهای غربی
۵. حذف فرهنگ ایشار و شهادت به بهانه دور نگه داشتن مدارس از خشونت
۶. تعبیر سبک زندگی اسلامی-ایرانی به سمت زندگی و مدل غربی، خلاف فرهنگ متداول کشور و در قالب

سند آموزش ۲۰۳۰ که از سوی یونسکو به عنوان سند راهبردی آموزش در سطوح مختلف به کشورها از جمله کشورمان ارائه شده است، نسخه شفاف‌بخش و قابل اعتمادی برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش ما نیست. سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، مهم‌ترین مرجع اجرای طرح‌های علمی و فرهنگی در دنیاست. این سازمان از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون یعنی از زمان تعیین ۶ هدف آموزش برای همه و اهداف توسعه هزاره، سعی در تغییر کارکردهای آموزشی و تربیتی در دنیا داشته است، تا به نوعی زمینه‌ساز تغییر و تحول نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف باشد.

اگرچه جهان در طول این سال‌ها در زمینه آموزش پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما دسترسی به شاخص‌های مدنظر یونسکو در خصوص آموزش یکسان و رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده تا مهلت مقرر یعنی تا ۲۰۱۵ محقق نشد.

در سال ۲۰۱۵ سازمان ملل قطعنامه‌ای را برای دگرگون کردن جهان و توسعه پایدار تا ۲۰۳۰ تصویب کرد. در این قطعنامه به بخش‌های مختلفی از جمله محیط زیست، تغییرات اقلیمی و هرآنچه برای نسل آتی مبهم و تأثیرگذار است، اشاره شده است. سند ۲۰۳۰ دارای ۱۷ هدف کلی و ۱۶۹ هدف ویژه است.

یکی از این بخش‌ها، بخش آموزش است که در این برنامه سازمان ملل، به آن اشاره کرده است که همه ۱۹۲ عضو سازمان، تا سال ۲۰۳۰ باید برای مردمان خود فارغ از جنسیت، قومیت، سن و هرگونه تفاوت و تبعیض امکانات مساوی، با کیفیت بالا و مادام‌العمر تحصیل فراهم کنند. در نتیجه در برنامه ۲۰۳۰ یونسکو تأکید شده است برای به پایان رساندن دستور ناتمام آموزش برای همه در برنامه قبلی، در قالب هدف چهارم این سند و با شعار «سند دگرگون‌سازی جهان ما» دستور کار تا سال ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، تضمین آموزش با کیفیت برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه و اهداف وابسته به آن صورت گیرد و طی ۱۵ سال به اهداف مورد نظر و رسیدن به سطح همسان و فراگیر آموزش و در نقاط مختلف جهان و با استفاده از یک مدل و الگوی واحد و نسخه پیچی نظام غربی در تعلیم و تربیت، به مطلوب خود برسد.

یونسکو مدعی است سند آموزش ۲۰۳۰ با مشارکت کشورهای عضو، شامل یونسف، بانک جهانی، برنامه



دلیل اجرایی نشدن سند ۲۰۳۰ در آموزش و پرورش ایران محمد باقر نصیری

دور از تغییرات ظاهری است.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین به موضوع پذیرش سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو از جانب دولت اشاره کردند و با انتقاد شدید از این موضوع گفتند: این سند و امثال آن، مواردی نیستند که جمهوری اسلامی ایران تسلیم آنها شود، و امضای این سند و اجرای بی سر و صدای آن قطعاً مجاز نیست و به دستگاه‌های مسئول نیز اعلام شده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین المللی که تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ نیز قرار دارد، به خود حق می‌دهد که برای ملت‌هایی با تاریخ و فرهنگ و تمدن گوناگون، تکلیف معین کند.

ایشان با تأکید بر اینکه اصل این کار غلط است، خاطرنشان کردند: اگر چنانچه با اصل کار نمی‌توانید مخالفت کنید، صراحتاً اعلام کنید که جمهوری اسلامی ایران در زمینه آموزش و پرورش، دارای اسناد بالادستی است و احتیاجی به این سند ندارد.

رهبر انقلاب اسلامی با گلایه از شورای عالی انقلاب فرهنگی گفتند: این شورا باید مراقبت می‌کرد و نباید اجازه می‌داد که کار تا جایی پیش برود که اکنون ما مجبور به جلوگیری از آن شویم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: اینجا جمهوری اسلامی ایران است و در این کشور مبنا اسلام و قرآن است. اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب و ویرانگر و فاسد غربی بتواند اعمال نفوذ کند. در نظام جمهوری اسلامی پذیرش چنین سندی، معنا ندارد.

چرا که در اصل ۷۷ قانون اساسی آمده است: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد، حال سؤال این است که آیا این برنامه در مجرای قانونی مجلس قرار گرفته است؟؟

پیامدهای دور شدن

۱. تخریب و تضعیف ارزش‌های اسلامی
۲. حذف برخی آموزه‌ها و قوانین اسلامی در کتاب‌های درسی به سبب پذیرش برابری جنسیتی

۳. آموزش حقوق شهروندی جهانی در همه سطوح آموزشی، بدون توجه به مغایرت آن با قوانین اسلامی

۴. گذر از بسیاری ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در سطح خانواده، مدرسه، جامعه و در نهایت حاکمیت تفکر لیبرالی غرب در برابر پذیرش به «اصطلاح فراگیر» آموزش برای همه

در این میان، اگر به بیانات مهم رهبر معظم انقلاب، در دیدار با معلمان در هفته معلم امسال نگاهی بیندازیم، به خوبی به غفلت مسئولان امر تعلیم و تربیت کشورمان پی می‌بریم؛ آنجا که ایشان ضمن انتقاد صریح از پذیرش این سند و اجرایی نشدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فرمودند: چرا با گذشت چندین سال از ابلاغ این سند تا به حال عملیاتی نشده است؟ تا چه زمانی باید منتظر آماده شدن نظام نامه‌های سند تحول بود؟

ایشان افزودند: من به‌طور جدی از وزیر محترم و مسئولان می‌خواهم که موضوع اجرایی شدن سند تحول را پیگیری کنند؛ زیرا آموزش و پرورش نیازمند تحول عمقی و به

سازی و حرکت به سمت توسعه و پیشرفت.

۷. قبح زدایی و عادی جلوه دادن روابط دختر و پسر و به تبع آن زن و مرد، بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی و دینی

۸. برابری زن و مرد در آموزش؛ علی‌رغم اینکه این مسئله در فرهنگ و اسناد و برنامه‌های آموزشی ایران وجود دارد، اما در سند ۲۰۳۰ به مواردی مانند تغییر کتب درسی با حذف نقش‌های مادری، همسری و مشابه نشان دادن زن و مرد در تمام عرصه‌ها اشاره شده است.

۹. نفوذ افکار و جریان‌های غیر دینی؛ از موارد دیگر مورد انتقاد در سند غیر اسلامی و غیر دینی شدن آموزش در ایران است و صریحاً در کتابچه‌های راهنمای یونسکو با عنوان «آموزش همگانی جهانی» بیان شده است و در واقع در چارچوب فرهنگ غربی مبانی مطلوب اسلامی و ارزشی در کتب و آموزه‌های آموزشی نباید بگنجد.

۱۰. نظارت و دخالت خارجی؛ منتقدان سند می‌گویند نظارت بر انجام سند را مستشاران خارجی بر آموزش و پرورش تعبیر می‌کنند.

نکته بسیار مهم این است که در سند ۲۰۳۰ رسیدن به برابری جنسیتی و آزادی جنسی مدنظر است؛ در حالی که سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانین اسلامی کشور این نیست و در دستورات اسلامی بر عدالت جنسیتی تأکید شده است نه برابری جنسیتی؛ ضمن اینکه باید از تعجیل و شتاب زدگی متولیان تعلیم و تربیت در امضای این سند گلایه‌مندی وجود دارد؛



رابطه اقتصاد کشور و آموزش و پرورش

فاطمه نوروژی

توسعه اقتصادی می-شود؛ رابطه آموزش و پرورش با توسعه اقتصادی و اجتماعی یک رابطه پیچیده است. آموزش و پرورش باعث تغییر ارزش-ها و طرز تلقی-های افراد می-شود و این خود تاثیر مستقیمی به وضعیت اقتصادی دارد.

اقتصاد آموزش و پرورش شاخه-ای از علم اقتصاد است که کاربرد علم اقتصاد در آموزش و پرورش و آثار بیرونی، درونی و بین-رشته-ای آن را مورد توجه قرار می-دهد و موضوعاتی چون، تامین منابع مالی آموزش و پرورش، مدیریت منابع آموزش و پرورش، تاثیر آموزش و پرورش بر رشد و توسعه اقتصادی، تاثیر آموزش و پرورش بر توزیع عادلانه درآمد، تاثیر آموزش و پرورش در افزایش تولید و درآمد خانواده، تخصیص منابع مالی آموزش و پرورش بین دولت و بخش-های غیردولتی، تحلیل هزینه-های آموزش و پرورش و اثر بخشی هزینه-ها، را بررسی و مطالعه می-کند. در سال-های اخیر، در کشور ایران گزارش-هایی از اقتصاد آموزش و پرورش تهیه شده است.

در وضعیت موجود تامین و تخصیص منابع و اعتبارات برای آموزش و پرورش و سرمایه-گذاری در این بخش نقش حیاتی در کاهش فزاینده کیفیت آموزشی دارد. ترك تحصیل، بی رغبتی به تحصیل، تکرار پایه، ناهنجاری در محیط آموزشی، افت کیفیت، ضعف پژوهش، فقدان انگیزه در پرسنل آموزش و پرورش فرار از مسئولیت و ده-ها معضل دیگر، معلول کاهش منابع مالی، استمرار تخصیص اعتبارات ناکافی و در يك جمله بی-اعتنایی به نقش اقتصاد و ارتباط آن با بهره-وري در آموزش و پرورش است. عدم اجرای قانون شوراهای آموزش و پرورش منبني بر اخذ عوارض از شهرداری-ها و لغو قانون ساخت مدرسه به ازای ۲۰۰ واحد مسکونی از سوی مجلس که مورد اخیر، حدود چهار هزار میلیارد تومان برای آموزش و پرورش سرمایه تامین می-کرد، جدیدترین ضربات بر پیکر

آموزش و پرورش از جمله مهم-ترین نهادهای هر کشوری است؛ لذا توجه به اقتصاد آموزش و پرورش از جمله نیازهای بنیادین دولت-ها است.

اما پرسش عمده در این خصوص، این است که آیا منابع مالی در آموزش پرورش بیشتر به هزینه نزدیک است یا سرمایه-گذاری؟ و اینکه آموزش و پرورش ایران به اندازه کافی از بودجه ملی منابع مالی دریافت می-کند؟

سرمایه گذاری در آموزش و پرورش از اهمیت ویژه-ای برخوردار است و باید هزینه-های صرف شده در امر تعلیم و تربیت را نوعی سرمایه-گذاری به حساب آورد. درصد هزینه-های آموزشی کشورها رقمی معادل ۱۰ تا ۲۰ درصد کل بودجه هر کشور را تشکیل می-دهد و این هزینه ها شامل هزینه های اداری، حقوق کارکنان، کتب درسی و مواد کمک درسی، تجهیزات و نگهداری ساختمان-های آموزشی و سایر بودجه-های جاری است.

طبق آمار، سهم اعتبارات آموزش و پرورش از بودجه کشور ۱۷/۷ درصد و سهم اعتبارات عمرانی این وزارتخانه نیز از بودجه عمومی ۷/۳ درصد است. سرانه هر دانش آموز به طور متوسط ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار است که متأسفانه از این میزان تنها ۲۰ هزار تومان به دانش آموزان اختصاص می-یابد.

با این-همه در ایران میزان منابع مالی اختصاص داده شده از سوی دولت به آموزش پرورش، در مقایسه با کشورهای دیگر و نیز نهادهای دیگر در ایران کمتر است.

آموزش و پرورش نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد و از آنجایی طبق هرم سنی و آمار سال-های اخیر نصف بیشتر جمعیت جوان ایران را که دوره طلایی و آینده ساز زندگی خود است، آموزش و پرورش دربرمی-گیرد؛ به عنوان یکی از اهداف مهم شناخته شده است. توسعه آموزش و پرورش مستقیماً به توسعه علوم و صنایع و تولید و بالطبع باعث



نحیف اقتصاد آموزش و پرورش به شمار می‌روند. ساختار نامناسب بودجه، در هم تنیدگی نظام مالی و مدیریت، فقدان هماهنگی بین درآمدها و هزینه‌های استانی، عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش و پرورش نگاه مصرفی به دستگاه آموزش و پرورش، تمرکز گرایی، فقدان راهبردهای اقتصادی، بوروکراسی و دیوان سالاری اداری از مهم‌ترین موانع رشد منابع مالی آموزش و پرورش هستند. اما با وجود تمامی مشکلات تنگناها و بدبینی‌ها آموزش و پرورش قادر است با تدوین راهکارهایی مناسب در مسیر وصول درآمد، اقتصاد خود را سروسامان داده و نرخ بهره‌وری را به شدت افزایش دهد. نقش شوراهای آموزش و پرورش استانی در این چارچوب بسیار پررنگ‌تر است.

اقتصاد آموزش و پرورش دنیا

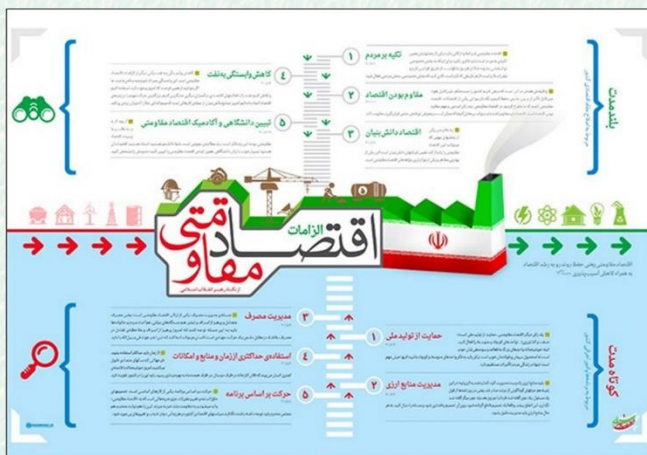
تأکید بیشتری کرد. این آموزش عمومی به-ویژه اگر توسط معلمان توانا و دانش-آموخته صورت می-گیرد و یا آموزش اضافی مربوط به کار و زندگی این مردم باشد، نتایج بسیار مؤثری را در بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان به-بار خواهد آورد.

اما نگارنده با آن قسمت از نظرات مولف محترم که رشد سوادآموزی را باعث کاهش نرخ جمعیت و به طبع آن بهبودی وضع اقتصادی خواهد شد، نمی-پذیرم به-هر صورت نامبرده به هر دلیل این نظریه را داده باشد، قطعاً بر اساس فرهنگ بومی جوامع خود مطرح نموده-اند که کاهش رشد جمعیت را باعث بهبودی اوضاع اقتصادی می-دانند و این را (کاهش نرخ رشد جمعیت) باعث کم شدن نیروی کار و افزایش جمعیت میانسال یا پیر که قدرت و نیروی مولد پایینی دارند، خواهد شد و یقیناً باعث کمبود نیروی فعال و کاهش تولید می-شود که هم-اکنون می-شود این معضل را در کشورهای هم‌چون ژاپن، کره و بعضی از کشورهای اروپایی مشاهده کرد که جمعیت آنها رشد منفی داشته و برای جبران آن مجبور به واردات نیروی کار از دیگر مناطق جهان با همه مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی...نموده-اند.

به طور کلی توسعه آموزش و پرورش مستقیماً منجر به توسعه علوم و صنایع و تولید و بالطبع باعث توسعه اقتصادی می-شود، آموزش و پرورش با توسعه اقتصادی و اجتماعی ارتباط دارد و تاثیر مستقیمی بر وضعیت اقتصادی می-گذارد.

در کشورهایی که آموزش و پرورش را اساس توسعه خود می-دانند، اقتصاد آموزش و پرورش را نیز مورد توجه قرار داده و از تمام ظرفیت-های این سیستم برای بهبود کیفیت آن استفاده می-کنند. در این کشورها کلیه خدماتی که امکان ارائه آنها در نظام آموزشی میسر است را در مدارس انجام می-دهند و از سود آن بهره-مند می-شوند. مشارکت مردم به اشکال مختلف از قبیل پرداخت کمک-های داوطلبانه، مدارس مستقل و آزاد با میانگین ۴۰-۵۰ درصد می-باشد. در حالی-که، دولت تا به امروز فقط بخش خصوصی را برای تامین مبلغ اندکی از منابع مالی آنها دیده است، اما از درآمدهای ناشی از فعالیت-های جنبی نظام آموزشی عاید بخش خصوصی می-شود، غافل مانده است.

به منظور وصول به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، باید در درجه اول بر آموزش عمومی برای تمام مردم به-ویژه روستاییان و گروه های بزرگ محرومی که در مناطق پر جمعیت شهری زندگی می-کنند



[illegible]

بہمن ماہ ۲۰۱۴

